

یادداشت

مردمان به حاکمانشان نگاه می‌کنند



امیر حسین علم‌الهدی

● «عصبانی نیستم» باز هم نتوانست به اکران عمومی درآید و نمی‌دانم چرا متولیان عزیز دولتی سینما که مرجع صدور پروانه نمایش فیلم‌ها هستند، بسا خود دچار رودربایستی هستند و هربار هزینه جدیدی را برای سینما به وجود می‌آورند! مقرر شده بود که فیلم بعد از جشنواره فیلم فجر از تاریخ ۲۵ بهمن ماه اکران شود اما بنا بر صحبت بالاترین مقام رسمی سینمای کشور و براساس نظر وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی باید این فیلم دارای پروانه نمایش باز هم پنج دقیقه از آن حذف شود و خبر از بدعت جدیدی دادند! در این نوشتار نمی‌خواهم وارد اثرات سوء این تصمیم بر کاهش اعتبار پروانه نمایش فیلم‌ها شوم و نگاهم بیشتر معطوف به قانونی بودن یا نبودن تصمیم وزیر محترم است. در آیین‌نامه صدور پروانه نمایش مصوب هیئت محترم وزیران تنها بندی که می‌توان نسبت به جلوگیری از نمایش یک فیلم به آن استناد کرد، بندی است که به معاون وزیر اجازه جلوگیری از نمایش یک فیلم را تارفع مشکل به‌وجودآمده، می‌دهد. این همان بند معروفی است که تا حالا به استناد آن از نمایش فیلم‌های متعددی در ادوار مختلف جلوگیری کرده‌اند و می‌توان به فیلم‌های به رنگ ارغوان و سنتوری اشاره کرد یا فیلم من عصبانی نیستم که پروانه نمایش دارد! در هیچ کجای آیین‌نامه بعد از صدور پروانه نمایش به هیچ مرجعی اجازه سانسور مجدد را نداده است و به جز جلوگیری از نمایش فیلم با استناد به آن بند آیین‌نامه قانون‌گذار (هیئت وزیران) هرگونه دخل و تصرف مجدد بعد از صدور پروانه نمایش را مجاز نمی‌داند. البته در تاریخ سینمای ایران نمونه‌هایی بوده‌اند که براساس رای مرجع قضائی در زمان آغاز اکران دچار سانسور مجدد شده‌اند (خانه‌ای روی آب بهمن فرمان‌آرا و...),.
القصة: رفتار قانونی با احاد یک جامعه براساس مجموعه قوانین موجود بر هر دولتمردی واجب است و بدون شک در حوزه فرهنگ و هنر اولی‌تر و از وزیر محترم و ریاست محترم سازمان سینمایی که جزء افراد خوشنام مدیریت فرهنگی و هنری این سرزمین هستند، انتظار دوچندان می‌رود که براساس «مُر» قانون رفتار کنند، چون مردمان هر سرزمینی به رفتارهای حاکمان خود چنان می‌نگرند تا همانند آنها شوند....

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۷ اسفند ۱۳۹۶ ● ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ ● ۲۶ فوریه ۲۰۱۸ ● سال یازدهم ● شماره ۳۰۹۵ ● ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ ● اذان مغرب ۱۸:۱۵ ● اذان صبح فردا ۵:۰۴ ● طلوع آفتاب ۶:۲۷

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

سپهیل محمدی

پرداخت به موقع دستمزد، اولین مطالبه کارگران



آکادمی

طب خاص، طب عام!

موارد هم وزارت بهداشت مسئولیت سنگین و دشواری بر عهده دارد که عبارت است از سیاست‌گذاری برای جلب سرمایه و نظارت بر کیفیت درمان. از سوی دیگر هرروز و هر لحظه برای بیماری‌هایی‌که تا دو سال پیش هیچ چشم‌انداز درمانی وجود نداشت، درمان‌های مؤثر و اثبات‌شده‌ای پیدا می‌شود و تکنولوژی مراقبت از بیماران مزمن هم هر روز پیشرفته‌تر می‌شود. به‌طور مثال درحال‌حاضر یک بیمار مبتلا به ای‌ال‌اس را می‌توان روی ویلچرهای اتوماتیک و بسیار راحت، درحالی‌که دستگاه تنفس مصنوعی کوچکی به آن وصل شده است و برای تغذیه هم لوله بسیار ظریفی از روی پوست به داخل معده می‌رود، سال‌های سال نگهداری کرد؛ به ترتیبی که زندگی او کیفیت مناسبی هم داشته باشد. واضح است که امکان تهیه چنین امکاناتی در توان اکثریت مردم نیست و نگهداری از چنین بیماران جزء وظایف ذاتی همه دولت‌هاست. نتیجه آنکه در شرایط متعارف و به‌طور منطقی آنچه تاکنون بیماری خاص نامیده می‌شده است، در واقع بخشی از همه بیماری‌هایی است که باید تحت پوشش کامل دولتی قرار بگیرند. در همان کشورهایی که نمی‌توان برای یک سردرد ساده با سرعت ام‌آر‌آی گرفت و برای یک سرفه مقاوم امکان ویزیت پنج متخصص ریه در یک روز وجود ندارد، چنین درمان‌ها و مراقبت‌هایی تا ریال آخر از سوی دولت تهیه و پرداخت می‌شود. تحت‌پوشش قرارگرفتن چنین بیمارانی با آخرین تکنولوژی روز باید یک درخواست عمومی از جانب مردم و روشنفکران باشد. این مهم جز با برنامه‌ریزی‌های مدرن دولتی و مشاوران بین‌المللی و واقع‌بینی در میان مردم امکان‌پذیر نخواهد شد.

راستی چگونه می‌توان رنج و آلام بشر را با چنین عناوینی محک زد؟ چگونه می‌توان به یک بیمار بیش از بیمار دیگر توجه کرد؟ سال‌هاست در کشور ما مفهوم بیماری خاص جا افتاده است. موضوع این یادداشت این است که جداکردن برخی بیماری‌ها به‌عنوان خاص با هر منطق و مصلحتی که در زمان خودش اتفاق افتاده، درحال‌حاضر هم با شرایط اقتصادی اجتماعی کنونی ناسازگار است و هم به‌شدت با تحولات روزافزون دانش طب و پیدایش درمان‌های جدید و تعریف مراقبت‌های مدرن برای بیماری‌های لاعلاج در تناقض آشکار قرار گرفته است.

شاید در زمانی که کشور به دلیل جنگ و محاصره اقتصادی مجبور بود محدودیت‌هایی را برای همه بخش‌های سلامت اعمال کند تفریق برخی بیماری‌ها‌که خرج و هزینه‌های بیشتری داشتند به‌عنوان بیماری‌های خاص توانست به درمان این بیماری‌ها از طریق تسهیل واردات داروها و پرداخت هزینه‌های سنگین این بیماران باری رساند و این پیام را انتقال دهد که همه بیماری‌ها با یک نسخه ساده شامل چند قلم دارو و البته حداقلت پزشک درمان نمی‌شوند. اما با گذشت زمان، فروکش‌کردن جنگ و مزمن‌شدن بسیاری از معضلات، آشکار شده است که جامعه در کل دارد هزینه هنگفتی بابت بی‌نیواری در سیستم سلامت می‌پردازد و متأسفانه مسائل اساسی و پیشین سلامت هم همچنان حل‌ناشده باقی مانده‌اند. تنها در سال‌های اخیر است که دولت متوجه وظیفه ذاتی خود در تصدی‌گری سلامت در وضعیت‌های اورژانس، بیماری‌های مزمن و سلامت دهک‌های بسیار پایین جامعه شده است. البته در سایر



بابک زمانی
رئیس انجمن سکته مغزی

می‌گویند: «آقای دکتر بیماری من خاصه؟». می‌گویم: «نه جانم، بیماری‌های خاص بیماری‌های دیگریه».

یک بیماری عضلانی بسیار نادر دارد که قামتش را کوتاه و خمیده و قدم‌هایش را نالاستوار و دشوار کرده، قامت خمیده و صدای نازکش جلوه‌ای از مظلومیت یا استیصال به او بخشیده است.

می‌پرسد: «بیماری خاص چه‌جور بیماری‌ایه؟». این سؤال را به راحتی پرسش بیمار اول نمی‌توان پاسخ داد. این بیمار به نوعی بیماری عصبی مبتلا است که اعصاب حرکتی بدن او را به شکل تدریجی از کار می‌اندازد. حالا به سختی راه می‌رود و کم‌کم اختلال بلع هم به سراغ او آمده است.

می‌گویند: «اگر من نیستم، پس کیه؟». از کودکی به یک بیماری نادر عضلانی مبتلا بوده که اخیرا درمان خاصی برای آن پیدا شده است. آژیومی را کشف و تولید کرده‌اند که در بدن او ساخته می‌شده و حالا ساخته نمی‌شود؛ اما با بهایی بسیار گران! وقتی سکوت مرا می‌بیند، لیخند می‌زند: «شما هم نمیدونید. بنذارید خودم حدس بزنم، بیماری خاص؛ یه بیماری نادره که افراد خاص یا افرادی که بستگان «خاص» ی دارند، مبتلا می‌شوند». می‌گویم: «تخیر این‌طور هم نیست».

حرف درشت

من چطوری کوهان‌دار شدم؟



پوریا عالمی

این شب‌دارترین متنی است که ما نوشته‌ایم. برای خواندن این نوشته باید روی یک سطح شیب‌دار مثل شیروانی بنشینید و با حفظ تعادل این متن را بخوانید.

به همین مناسبت من می‌خواهم با ذکر خاطراتی از زندگی‌ام، ثابت کنم که چرا نسل ما، نسل شیب‌داری است و اصولا چرا ما کوهان درآورديم؟ ببینید من وقتی پوشک می‌شدم، دوران موشک بود و استرس زیادی را تحمل می‌کردم. برای همین در مصرف پوشک زیاده‌روی می‌شد. اوضاع اقتصادی هم که آن‌طور و جنگ هم که بود. برای همین بابای ما برای اینکه مشکل ما را حل کند، جای پوشک، من بچه‌شیرخواره را نشاندۀ بود روی یک سطح شیب‌دار که روم به دیوار – خلا – نصب کرده بود، تا اگر خرابی به بار آوردم، قبل از اینکه کار به پوشک برسد، قضیه رفع‌ورجوع شود و به اقتصاد خانواده آسیب نرسد.

بعد که بزرگ‌تر شدم، به بابامان اعتراض کردم که چرا پول توجیبی ما را نمی‌دهد، وقتی هم می‌دهد کم می‌دهد؟ بابای ما ترتیب‌اثر داد و یک جعبه شیب‌دار گذاشت روی کول ما و گفت بیا. وقتی رفتیم مدرسه، به معلم گفتیم اینها چیست که می‌گویی از روش صمدار بنویسیم؟ او هم نیمکت را برگرداند روی کول من و گفت بیا؛ حالا هم باید مشق بنویسی، هم این نیمکت شیب‌دار را کول کنی. بعد رفتیم دانشگاه و خواستیم اعتراض دانشجویی کنیم. یک گونی ستاره را ریختند روی دوش ما، طوری که دوش ما زیر بارش خم شد و تبدیل شد به سطح شیب‌دار و ما با دانشگاه و اینا زاویه پیدا کردیم.

بعد ما رفتیم آب‌خنک بخوریم (چون هم گرممان شده بود، هم دانشجو بودیم و هم سؤال داشتیم که چرا هوا گرم است). خلاصه رفتیم آب‌خنک بخوریم که گفتند اینـ چیزها را باید به گردن بگیرى. منتها چون گردن ما از مو نازک‌تر بود، گردن ما کج و کمر ما خم شد و از پشت شیبۀ هم شدم و سطح شیب‌دار.

عاشق هم که شدید، رقتم پیش طرف و گفتم دوست دارم، گفت ماشین داری؟ گفتم نه. گفت پس دولا شو سوارت شوم که باز سطح ما شیب‌دارتر شد. بعد هم که توی زندگی هر کسی رسید به ما، خواست از ما کولی بگیرد و سطح ما را شیب‌دارتر کرد. بعد هم هر کسی خواست پیشرفت کند، پاش را گذاشت روی دوش ما و فشار آورد به کمر ما و خودش را کشید بالا و رفت و شیب سطح ما را شدیدتر کرد.

خلاصه این کمر و پشت ما از بزگی همه فشارها را تحمل کرده و الان تبدیل شده به یک سطح کاملا شیب‌دار. درواقع این‌قدر فشار روی کمر ما بوده که ما دیگر تبدیل شدیم به یک موجود کوهان‌دار. موجود کوهان‌دار هم، خودش سطح شیب‌دار است و اتفاقا روی سطح شیب‌دار بهتر می‌ایستد.

پیشنهاد

فروپاشی، محیط زیست و فنا یا بقای جوامع



جلسه نقد و بررسی کتاب «فروپاشی» امروز، دوشنبه ۷ اسفند، برگزار می‌شود. در این جلسه دکتر فریدون مجلسی، مترجم کتاب، محمد درویش و چند نفر از پیش‌کسوتان عرصه محیط زیست نیز حضور دارند. این کتاب نوشته جُرد دایموند را فریدون مجلسی ترجمه و نشر نو در مجموعه «کتابخانه بررسی روندهای جهان»

منتشر کرده است. نویسنده کتاب «فروپاشی» یا «چگونه جوامع راه فنا یا بقا را برمی‌گزینند»، استاد دانشگاه کالیفرنیاى جنوبی در لس‌آنجلس، پرنده‌شناس، پژوهشگر و از طرفداران محیط‌زیست است و در کتابش مهم‌ترین و هشداردهنده‌ترین مسائل زیست‌محیطی جهان را به شیوه‌ای داستان‌گونه شرح داده است. نشست نقد و بررسی کتاب «فروپاشی» که عنوان فرعی آن «چگونه جوامع راه فنا یا بقا را برمی‌گزینند» است، در ساعت ۱۸ امروز در کتاب‌فروشی نشر«هنوز» به نشانی تهران، خیابان کریمخان‌زند، جنب کتاب‌فروشی ثالث، طبقه سوم برگزار می‌شود.

سلام به فردا

پیشگیری از کودک‌آزاری، مسئولیت همه ما



شیوا دولت‌آبادی

اگرچه مواجهه با آمار ۱۶هزارنفری کودکان آزارپذیر که به گزارش ریاست اورژانس اجتماعی در شش‌ماهه اول سال ۹۶ به اورژانس گزارش شده، در نگاه اول تکان‌دهنده به نظر می‌رسد، ولی از دو جنبه دیگر نیز این اطلاع‌رسانی بسیار حائزاهمیت است.

یکی اینکه آقای جعفری، ریاست اورژانس اجتماعی کشور، این اطلاع را رسماً در اختیار گذاشته و برای آگاهی عموم اعلام می‌کنند که می‌تواند خود جنبه استمداد از مردم را داشته باشد و دیگر اینکه این آمارها همیشه به ما نشان می‌دهند که این تعداد فقط شامل مواردی هستند که از راه‌های مختلف اصولا به اورژانس اجتماعی اطلاع داده شده‌اند و بی‌تردید فقط بخش کوچکی از تعداد آزارها، تجربه و گزارش‌شده کودکان هستند.

در نگاهی دقیق‌تر به همین آمارها می‌بینیم که کودکان دبستانی بیشترین قربانیان در این آمارها هستند، درحالی‌که آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهند که کودک‌آزاری‌ها در همه سنین اتفاق می‌افتند. به عبارتی می‌توان گفت که هرکجا آزارگری وجود داشته باشد و آزارپذیری، آزار در شکل‌های مختلف اتفاق می‌افتد، پس بی‌تردید تعداد زیادی از کودکان خردسال در این گزارش نیستند. کودک‌آزاری‌هایی مانند غفلت در توجه کافی به بهداشت و تغذیه کودک تا انواع دیگر آزارها مانند آزار جسمانی، عاطفی– هیجانی تا آزار آموزشی و جنسی.

در زمانی که در سوئد قوانین جدی برای کنترل خشونت جسمانی (به‌اصطلاح تادیب و تنبیه بدنی) وضع و اجرا شد (حدود ۳۰ سال پیش)، موارد آزارگری روانی (تهدید، تحقیر، تبعیض، تمسخر و...) بیشتر شد. پس مهم‌تر از نوع آزار، به‌وجودآمدن، وجودداشتن و زیادتشدن خود آزارگر است. می‌دانیم که بیشترین آزارها به‌اصطلاح زیر سقف امن خانواده رخ می‌دهند و می‌دانیم که این والدین هستند که با تنگ‌حوصلگی و عدم درک مسئولیت بزرگ فرزندپروری، کودکانشان را آزار می‌دهند. تعداد اندکی از این والدین می‌توانند دچار اختلال‌های جدی روانی باشند، تعدادی الگوهای سنتی را که خود تجربه کرده‌اند تکرار می‌کنند و تعدادی خشم‌های فروخورده خود از تجربه‌های راز و کوتاه‌مدت از ناکامی‌ها را در یک چرخه پرخاشگری به خانه می‌آورند. تعدادی از کودک‌آزاری‌ها هم بی‌تردید تحت‌تاثیر سوااستفاده از مواد اتفاق می‌افتند. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که بسیاری از کودک‌آزارها، همسرازار هم هستند که خود فاجعه بزرگ‌تری برای رشد کودک است.

برای پیشگیری از کودک‌آزاری کارهای زیربنایی زیادی باید کرد. در این راستا می‌توان به‌طورمثال از آموزش‌های در دسترس همگان برای فرزندپروری مثبت بهره‌مند شد که آشنایی با اصول کلی آن و تجربه اثربخش‌بودنش می‌تواند به نوعی از فرهنگ مثبت و مؤثر در تعامل و آموزش حل مسئله در خانواده تبدیل شود، ولی البته جلب افشار آسیب‌پذیر به چنین برنامه‌هایی خود یک عزم ملی می‌طلبد و باور به علم در زندگی روزمره.

از سوی دیگر لازم است یادآور شویم که اینک بعد از گذشت نزدیک به ربع قرن از پیوستن جمهوری اسلامی ایران به پیمان جهانی حقوق کودک، هیچ اقدام فراگیری برای فرهنگ‌سازی در راستای آن نشده است. رسانه ملی سالی یک‌بار از آن یاد می‌کند، درحالی‌که مسئولیت دولت‌ها اشاعه آن است. مفاد و آموزه‌های همین پیمان‌نامه می‌توانست با آشنایی بیشتر عموم با آن به‌تدریج در نگاه به حق و تکلیف والدگری کمک کند. از سوی دیگر از سال ۱۳۸۱ تاکنون کودک‌آزاری جرم عمومی است و نه‌تنها اطلاع‌دادن آن خوب است، بلکه اطلاع‌ندادن آن جرم است. شهروند ما این را از کجا بداند اگر به آگاهی عمومی و فرهنگ تبدیل نشود. از سوی دیگر اینک ۹ سال است که لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان منتظر تصویب در مجلس شورای اسلامی است.

حفظ و حراست از کودکان مسئولیت همه بزرگ‌سالان است و این اگر با کمک رسانه‌های جمعی تبدیل به فرهنگ شود، شاید بتوان به‌جای رساندن کودکی با زخم‌های فراوان روانی و جسمانی به اورژانس، در پیشگیری از به‌وجودآمدن انسان‌های تحقیرشده و شرمسار از بودن خود در جهان و در نتیجه تبدیل‌شدن آنها به انسان‌های خشن یا منفعل، به‌موقع از راه کمک‌رسانی مددکارانه و روان‌شناختی به خانواده‌ها مؤثر واقع شد.